

نشریه علمی فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده
سال چهاردهم، شماره ۵۰، بهار ۱۳۹۹: ۶۶ - ۴۵

تدوین الگوی راهبردهای انطباقی مادران در رویارویی با مسائل

نوپدید نوجوانان

معصومه اسمعیلی^۲

سمیه کاظمیان^۴

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷

سمیرا هاشمی^۱

محمد عسگری^۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۱۹

چکیده

در دنیای امروز نوجوانان با مسائل و چالشهای زیادی روبه‌رو هستند از جمله رویارویی با سبکهای گوناگون فکری و رفتاری، فاصله گرفتن از ارزشهای دینی و بومی، دسترسی سهل و آسان به انواع و اقسام اطلاعات، روابط بی‌حد و مرز با جنس مخالف در سنین پایین و غیره. در این راستا راهبردهای انطباقی مادران شیوه‌هایی است که مادران آن را در رویارویی با این چالشها به‌کار می‌گیرند. این مطالعه با هدف تعیین و تدوین الگوی راهبردهای انطباقی مادران در رویارویی با مسائل نوپدید نوجوانان در شهر تهران انجام شده است. پژوهش با روش کیفی زمینه‌ای صورت گرفت. داده‌های کیفی با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته از نمونه‌ها استخراج شد. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و تا اشباع نظری ادامه یافت و به‌دوره مورد رسید و پس از آن تحلیل داده‌ها با روش نظریه زمینه‌ای و چگونگی شناسه‌گذاری اشتراوس و کوربین انجام شد. در این شناسه‌گذاری مقوله مرکزی، تحت عنوان کلی راهبردهای واقعیت‌مدار مبتنی بر رابطه همگرا انتخاب شد که در سه دسته کلی راهبردهای آماده‌ساز والدینی، راهبردهای همگراساز و راهبردهای ایمن‌ساز ارائه شده است. همچنین راهبردهای آماده‌ساز به‌عنوان عوامل زمینه‌ای و راهبردهای همگراساز به‌عنوان عوامل علی مشخص شد. طبق تجربیات زیسته مادران، آن دسته از روشها و راهبردهایی که اساس آن را کاوش، تحلیل و پذیرش واقعیات فردی و اجتماعی روز تشکیل می‌دهد و مادران با شیوه‌های مختلف برآند تا تماس خود و فرزندانشان را با این واقعیات بر قرار سازند تا آنان بتوانند فرصتها و آسیبهای واقعی را تشخیص دهند به‌شرطی که در رابطه‌ای همگرا، قوی و صمیمی صورت گیرد، راهبردهای انطباقی و کارآمد به‌شمار می‌رود و می‌تواند باعث کاهش آسیبهای مسائل نوپدید شود.

کلیدواژه‌ها: راهبردهای انطباقی مادران، مسائل نوپدید نوجوانان

samira.hashemi.m@gmail.com

masemaaily@yahoo.com

drmasgari423@gmail.com

somaye.kazemian@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی

۲. استاد گروه مشاوره، دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

۳. دانشیار گروه سنجش، دانشگاه علامه طباطبائی

۴. استادیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

در عصر کنونی، تغییراتی گسترده و سریع در سطح کلان جامعه رخ داده است که چگونگی رویارویی و انطباق با مسائل نوپدید حاصل از آن اهمیت بسزایی دارد. این تغییرات به قدری پرسرعت است که اغلب فرصت فرهنگ‌سازی و انطباق با شرایط اجتماعی فراهم نمی‌شود و به قول بوردیو، فرد فرصت تعامل ذهنی و فکری را با آن ندارد (بومن، ۲۰۰۲)؛ به عبارت دیگر سرعت تغییرات از سرعت درونی شدن فکر و اندیشه پیشی گرفته و فرد دچار "تأخر فرهنگی" شده است (عاملی، ۱۳۸۲). تغییرات سریع اجتماعی و مسائل نوپدید آن به سازگاریها و انطباقهای مناسب و بموقعی نیاز دارد که اگر اتفاق نیفتد، چالشهای زیادی برای اقشار و گروههای مختلف جامعه بویژه افراد در حال رشد، یعنی کودکان و نوجوانان ایجاد می‌کند. از تصادم و تعامل تغییرات اجتماعی و تغییرات رشدی دوره نوجوانی برای خانواده‌ها و نوجوانان، مسائل نوپدیدی ظهور می‌کند که به دلیل تفاوت‌های اقلیمی، فرهنگی، دینی، اقتصادی و سیاسی کشورها از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. در بسیاری از کشورها از دهه‌های گذشته، مسائلی چون تغییر در الگوهای فکری و رفتاری، تغییر در سبک زندگی، رشد استقلال‌طلبی و فردیت‌گرایی، کاهش تأثیر و قدرت نهاد خانواده و افزایش تأثیر گروه همسالان برای نوجوانان به وجود آمده بود و امروزه مسائلی چون بارداریهای زیر سن قانونی و بدون ازدواج، بیماریهای مقاربتی مانند ایدز، اعتیادهای مجازی، خشونت‌های واقعی و مجازی، روابط جنسی مجازی و امثال این از مهمترین آسیبهایی نوپدید نوجوانان در جوامع آنهاست (گریدانوس، ۱۹۹۷؛ بیگلان و همکاران، ۲۰۰۴؛ جنسن و چن، ۲۰۱۳؛ الخین، کورولوا، و استاشوا، ۲۰۱۵). در کشورهای روبه رشد از جمله ایران نیز، که هم در حال گذر از سنت به مدرنیته، و هم با عصر اطلاعات و ارتباطات همراه شده‌اند، مسائل نوپدیدی چون رویارویی با سبک‌های گوناگون فکری و رفتاری، فاصله گرفتن از افکار و قواعد والدین، فاصله گرفتن از ارزشهای دینی و بومی، استقلال‌طلبی‌های گسترده و زودرس، برقراری روابط بی‌حدومرز با جنس مخالف، دسترسی سهل و آسان به انواع و اقسام اطلاعات، ورود به انواع ارتباطات مجازی، علاقه بسیار به بازیهای رایانه‌ای آنلاین و گروهی و کاهش سن افراد در رفتارهایی مثل مصرف سیگار، الکل، قلیان و انواع مواد مخدر برای نوجوان ایجاد شده است (جلالی، ۱۳۹۰؛ رشید، ۱۳۹۱؛ تیمورپور و فزون‌مهر، ۱۳۹۲؛ دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۴؛ مصطفوی‌طالمی، ۱۳۹۵).

از مهمترین علل بروز چنین مسائلی، مختصات و ویژگیهای خاص دوره نوجوانی است؛ چرا که این دوره از حساسترین مراحل رشد انسانی است که با تغییرات مهم جسمی و روانشناختی همراه است و در بستری اجتماعی شکل می‌گیرد و همواره فرایندی چالش‌انگیز برای جوامع و خانواده‌ها بوده است. این چالشها در جوامعی که با تغییرات و تحولات اجتماعی روبه‌رو هستند، شدت می‌یابد؛ یعنی نوجوان از یک سو با تغییرات جسمی و روانشناختی (که مختص دوره نوجوانی است) روبه‌رو است و از سوی دیگر باید با تحولات اجتماعی سازگار شود که نهادهای اجتماعی و نظام باورهای فرهنگی را دگرگون می‌سازد سازگار شود (هال، ۱۹۰۴؛ کراکت و سیلبریزن، ۲۰۰۰؛ پینکوارت و سیلبریزن، ۲۰۰۵؛ پنتی، ۲۰۱۶). با شروع دوره بلوغ، رشد سریع جسمی آغاز می‌شود و مصادف با همین زمان فرایندهای فکری نوجوانان شروع به تغییر می‌کند. مغز و جسم آنان را هورمونهای جنسی و رشد فرا می‌گیرد که هر یک کارکردهای شناخته و ناشناخته فراوانی دارد. تجربه کردن احساسات کاملاً متفاوت یا متضاد، دمدمی مزاج بودن، نوسان خلق، سرکشی و مخالفت از ویژگیهای بارز و طبیعی این دوره به‌شمار می‌آید (گریدانوس، ۱۹۹۷)؛ اما مسئله فقط مربوط به تغییرات جسمی نیست و دوران نوجوانی نیز مانند بقیه دورانهای زندگی به‌وسیله بافت اجتماعی - فرهنگی شکل داده می‌شود که آن را دربرگرفته است. انواع مهارتهایی که از نوجوانان انتظار می‌رود کسب کنند، انتخابهای مختلفی که باید انجام دهند، مؤسساتی که در این دوران با آنها در ارتباط و مراوده است، همگی توسط نهادهای اجتماعی (برای مثال سامانه آموزشی) و انتظارات و تعاریف آنان از موفقیت در بزرگسالی، مشخص و تعیین می‌شود (کراکت و سیلبریزن، ۲۰۰۰). در واقع نوجوانی بیش از اینکه دوره‌ای جسمی یا حتی روانشناختی باشد، دوره‌ای اجتماعی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تغییرات اجتماعی که موجب دگرگونی در ایدئولوژی، فناوری و سامانه‌های اقتصادی جامعه در مقیاس کلان می‌شود، تأثیرات بسیار مهم و چشمگیری در فرایند رشد نوجوانان دارد. ورود به عصر اطلاعات و ارتباطات از مهمترین این تغییرات اجتماعی عصر حاضر است که در ایران نیز تأثیرات گسترده‌ای بر ابعاد مختلف زندگی اقشار مختلف جامعه بویژه جوانان و نوجوانان داشته است. آمار و ارقام نشان می‌دهد که طی سالهای اخیر، میزان آسیبهای اجتماعی و رفتارهای پرخطر بین نوجوانان به مقدار زیادی افزایش داشته است؛ برای مثال در گزارش رشید، که در سال ۱۳۹۱ ارائه شده، این آمار این گونه بیان شده است: تجربه مصرف سیگار در پسران ۳۸/۵٪ و در دختران ۳۵/۲٪، تجربه مصرف الکل در پسران ۳۲/۲٪ و در دختران ۲۷/۴٪، تجربه رابطه جنسی از روی میل در پسران

۳۳/۹٪ و در دختران ۲۷٪، کتک کاری در بیرون از خانه (جز در مدرسه) در پسران ۳۶/۹٪ و در دختران ۱۹/۴٪ و اقدام به خودکشی در یک سال گذشته در پسران ۹/۱٪ و در دختران ۹/۷٪.

اغلب خانواده‌ها و والدین نیز در رویارویی با این مسائل دچار سرگشتگی شده‌اند و شیوه‌های درست تربیتی و انطباقی متناسب با اوضاع اجتماعی روز را نمی‌دانند. به نظر می‌رسد بین دوران کنونی و آنچه صفایی حائری در سالهای پیش از این به‌عنوان "محیط تربیتی متضاد" (یا باز) مطرح کرده است، همانندی و نزدیکی باشد. محیط تربیتی متضاد، چنانکه از نامش پیداست، سرشار از تضاد و درگیرهای فکری است. به اعتقاد او در چنین محیطی نمی‌شود از شیوه‌های تربیتی جامعه و یا محیط بسته استفاده کرد و دیگر نمی‌توان یکسویه برای فرزندان ارزشها و خصلتها را دیکته کرد و به روشهای انطباقی و سازگار با وضعیت اجتماعی نیاز است (صفایی حائری، ۱۳۹۰).

والدین در روند تربیتی فرزندان و پیشگیری از آسیبهای نوجوانان، نقش بسیار مهم و مؤثری ایفا می‌کنند و بسیاری از تحقیقات این اثربخشی را تأیید می‌کند (لوز و همکاران، ۲۰۱۲؛ شین و اسمعیل، ۲۰۱۴؛ هاسکینز، ۲۰۱۴؛ استاردا و همکاران، ۲۰۱۷؛ رجبی، ۱۳۹۱؛ رضوانی مهلبانی، ۱۳۹۳). تحقیقات زیادی رابطه سبکهای مختلف والدگری و گرایش به رفتارهای پرخطر را در نوجوانان نشان داده است؛ برای مثال اعظمی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داده‌اند که سبک والدینی مقتدرانه بیشترین رابطه را با عدم گرایش به رفتارهای پرخطر و بزهکارانه نوجوانان داراست؛ در حالی که در مورد سبک والدینی مسامحه کار و آسانگیر این رابطه معکوس است. البته در این زمینه باید به تفاوت‌های فرهنگی نیز توجه کرد؛ برای مثال بی و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که در چین، سبک والدگری سلطه‌گرانه و مقتدرانه تفاوتی در میزان تعارضات والدین و نوجوانان ایجاد نمی‌کند؛ به این دلیل که در فرهنگ چین از دید نوجوانان بسیاری از رفتارهای والدین به دلیل حمایت و مراقبت از آنها و نه اعمال کنترل بر آنها است؛ به این ترتیب تبیین گرایش نوجوانان چین به رفتارهای پرخطر بر اثر تعارضات خانوادگی و شیوه‌های تربیتی والدین متفاوت خواهد بود. در پژوهشی دیگر، هو (۲۰۰۹) زیر مؤلفه‌های رفتار والدینی را این گونه ارائه کرده که بر رفتارهای نوجوانان اثرگذار است:

۱. نظارت که شامل رفتارهایی است که براساس آن والدین از جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی فرزندشان آگاه می‌شوند.
۲. روابط عاطفی که بیانگر تعاملات کلامی و غیرکلامی والدین برای نشان دادن صمیمیت و رسیدگی به نیازهای فرزندشان است.

۳. هماهنگی که نشانگر هماهنگی، انسجام و ثبات رفتارهای والدین براساس ضوابط و استانداردهای تعیین شده در موقعیت‌های مختلف و گوناگون است.

۴. انتظارات که نشانگر خواسته‌ها و تمایلات والدین برای رفتارهای فرزندشان است.

۵. مشارکت که شامل رفتارهای والدین برای جهت‌دهی و راهنمایی رفتارهای فرزندان است.

۶. توجه‌پذیری که نشانگر میزان شفافیت، عقلانیت و منطقی بودن رفتارها و معیارها و استانداردهای والدین است.

طبق این تحقیق، والدینی که تحت سامانه عقلانی و توجه‌پذیر، نظارت کافی و انتظارات روشن و واقع‌بینانه‌ای دارند و رفتارهایشان از هماهنگی و حمایت‌های عاطفی برخوردار است و مشارکت آنها دخالت زیاد در کارها فرزندانشان نیست، می‌توانند از رفتارهای پرخطر نوجوانانشان پیشگیری کنند. در مورد نظارت والدینی نیز تحقیقات زیادی انجام شده است که نشان می‌دهد نظارت مناسب والدین بر فرزندان با کاهش احتمال بروز رفتارهای پرخطر مثل مصرف سیگار و الکل (انگلس و همکاران، ۲۰۰۶)، مواد مخدر (نارگیسو و همکاران، ۲۰۱۲)، درگیری فیزیکی (فال و همکاران، ۲۰۱۰)، روابط با جنس مخالف (ریسی و همکاران، ۲۰۰۳) و ترک تحصیل و مشکلات تحصیل (انیسی و همکاران، ۲۰۱۲) همراه است. با اینکه در دوران نوجوانی اعمال کنترل والدین می‌تواند بین والدین و نوجوان جدال بر سر قدرت و کشمکش ایجاد کند با این حال چون نوجوانان در این دوره هنوز نبالغند و گرایش به رفتارهای پرخطر دارند در نبود کنترل والدین، کاملاً مستعد درگیر شدن در رفتارهای پرآسیب هستند (بارنز و همکاران، ۲۰۰۶). استاردا و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که پس از آموزش برنامه پیشگیری به خانواده‌ها کارکردهای خانواده و نظارت والدین (بوژه بر روابط همسالان) افزایش و ارتقا می‌یابد و همین امر به کاهش رفتارهای پرخطر نظیر استفاده از مواد و الکل و روابط جنسی پرخطر در نوجوانان کمک قابل توجهی کرده است.

در ارتباط با فضای مجازی و استفاده از گوشی و اینترنت نیز امروزه والدین با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند. والدین از یک‌سو به مزیت‌های اینترنت به‌عنوان ابزار آموزشی آگاهند و از سوی دیگر نگران آسیب‌های مرتب با فعالیتهای آنلاین هستند. تحقیقاتی هست که نشان می‌دهد خانواده‌های محدودکننده می‌توانند با کاهش فعالیتهای اینترنتی فرزندشان، آسیب‌های مرتبط را کاهش دهند؛ با این حال شواهد نشان می‌دهد که امروزه تجربه و مهارت فرزندان در به‌کارگیری اینترنت بیشتر از والدین است و همین امر از میزان کنترل والدین می‌کاهد. هم‌چنین کاهش

فعالتهای اینترنتی می‌تواند به کاهش مهارتهای تصمیم‌گیری اخلاقی، سواد رسانه‌ای و حتی عزت‌نفس نوجوانان منجر شود (اهن، ۲۰۱۱؛ ویسنیوسکی و همکاران، ۲۰۱۴).

در ایران نیز الگوها و برنامه‌های آموزشی و پیشگیرانه‌ای هست که به مسائل روز نوجوانان متناسب با فرهنگ و نیازهای جامعه ما پرداخته است (آهون، ۱۳۹۱؛ بشیریان، ۱۳۹۱؛ کریمی، ۱۳۹۲)؛ اما اغلب این الگوها و برنامه‌ها مسئله - محور است و مسائل بسیار محدودی مثل اعتیاد را هدف قرار داده است و طبق تحقیقات محقق، الگویی کلی و جامع که راهبردهای کارآمد اصلی و اساسی خانواده‌ها را در رویارویی با اغلب مسائل نوپدید نوجوانان مشخص کند و بتواند یاری‌دهنده خانواده‌ها و والدین باشد، یافت نشده است.

از آنجا که الگوهای تدوین شده در هر جامعه‌ای باید با فرهنگ جامعه هدف و همخوان با تجربه زیسته آنان مطابق باشد و به آسانی امکان تعمیم به دیگر جوامع را ندارد (هولم و همکاران، ۲۰۱۵؛ گوین و هافمن، ۲۰۱۶)، این پژوهش در نظر دارد تا با مطالعه‌ای کیفی درباره خانواده‌های ایرانی و بررسی روشها و شیوه‌های انطباقی مادران (در این پژوهش به دلیل دسترسی آسانتر به مادران و همکاری و مشارکت بیشتر آنها در تحقیق از مادران مصاحبه گرفته شد.) و تجربیات زیسته آنان در رویارویی با مسائل نوپدید نوجوانان، الگویی خانواده - محور تدوین کند. در واقع محقق در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که در جامعه کنونی، راهبردهای انطباقی مادران که در رویارویی با مسائل نوپدید نوجوانان چیست.

طرح تحقیق

هدف این تحقیق، کاربردی، و قرار است به ارائه الگویی براساس تجربیات خانواده‌های ایرانی منتهی شود. در نتیجه از آنجا که زمینه این پژوهش، فرهنگی است و به اطلاعات دقیق و عمیق بومی نیاز داشت، لازم بود از شیوه‌های کیفی استفاده شود. داده‌های این پژوهش از مصاحبه با مادران و نوجوانان درباره مسائل نوپدید نوجوانان و شیوه‌های رویارویی با آن به دست آمد و برای تحلیل آن از روش نظریه‌مبنایی یا نظریه‌زمینه‌ای استفاده شده است. تعداد نمونه‌های این پژوهش ده نفر بود که نمونه‌ها از بین خانواده‌های دارای فرزند نوجوان (دختر و پسر در بازه سنی ۱۳ تا ۱۹ سال) شهر تهران انتخاب شدند که شرایط حضور در مصاحبه را دارا بودند و جلب مشارکت و همکاری آنان برای پژوهشگر امکانپذیر بود و دارای مسائلی مانند طلاق، اعتیاد، فقر، اختلالات روانی در خانواده

هسته‌ای خود نبودند. نمونه‌های دارای راهبردهای انطباقی (کارآمد) به این صورت انتخاب شدند که از طریق معرفی آشنایان و همکاران و نیز از طریق معرفی اولیای مدارس در دسترس و در مناطق مختلف، خانواده‌هایی که (۱) والدین از وضعیت رفتاری و اجتماعی و تحصیلی نوجوانشان به طور کلی اظهار رضایت می‌کنند. (۲) این اظهار رضایت مورد تأیید اولیای مدرسه (مشاور و معاون مدرسه) باشد. (۳) نوجوان از شیوه‌های انطباقی والدینش به طور کلی اظهار رضایت کند و در پرسشنامه هویت برزونسکی، دارای هویت اطلاعاتی سنجیده شدند و در مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی (IARS)، نمره کمتر از ۷۶ کسب کردند به عنوان نمونه‌های دارای راهبردهای انطباقی و کارآمد در نظر گرفته شدند. از آنجا که این پژوهش کیفی و نمونه‌گیری هدفمند است، جامعه برابر با نمونه مورد پژوهش است. با توجه به مفاهیمی که از تحلیل مصاحبه‌های اولیه به دست آمد، روند نمونه‌گیریهای بعدی هدایت شد و نمونه‌گیری ما نظری نیز بوده است؛ بدین معنی که در نمونه‌گیری خود به سراغ مواردی رفتیم که امکان کشف گوناگونیه‌ها را به حداکثر برساند و مقوله‌ها را از لحاظ ویژگیها و ابعاد مورد بررسی غنی‌تر کند. حجم هر دو دسته نمونه را نیز اشباع نظری تعیین کرد؛ بدین معنی که تعداد مصاحبه‌ها تا حدی پیش رفت که دیگر اطلاعات و شناسه جدیدی به دست نیاید و داده‌ها صرفاً تکرار نتایج داده‌های پیشین باشد. در این پژوهش از به کارگیری شیوه مصاحبه عمیق استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها با استفاده از نظریه زمینه‌ای بتدریج همراه با مصاحبه‌ها و پیاده کردن آنها از فرایند سه مرحله‌ای شناسه‌گذاری باز، شناسه‌گذاری محوری و شناسه‌گذاری انتخابی استفاده، و پس از مشخص شدن مقوله‌ها برای تعیین روایی محتوایی الگوی مستخرج از نظر ۳ متخصص نیز استفاده شد.

ابزار پژوهش

مصاحبه

داده‌های این پژوهش با مصاحبه‌های عمیق از گروه نمونه به دست آمده است. این مصاحبه با اجازه افراد مورد مصاحبه ضبط، پیاده‌سازی، و سپس به روش اشتراوس و کوربین شناسه‌گذاری و تحلیل شده است. محورهای سؤالات از مادران شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی، شناسایی مسائل نوپدید نوجوانان از دید والدین، شیوه‌های رویارویی و تربیتی والدین در رویارویی با مسائل نوپدید، کارآمدی و نتیجه‌روشهای آنان بوده است. محورهای سؤالات از نوجوانان نیز تجربه

نوجوانان از شیوه‌های رویارویی و تربیتی والدین بوده است.

پرسشنامه سبکهای هویت (IAI_6G)

پرسشنامه سبکهای هویت اولین بار توسط برزونسکی (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری فرایندهای شناختی - اجتماعی طراحی شد که نوجوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می‌کنند. براساس دیدگاه برزونسکی نوجوانان سه جهتگیری متفاوت یا سه سبک پردازشی هویتی مختلف را انتخاب می‌کنند. این پرسشنامه سه سبک هویتی شامل اطلاعاتی، هنجاری، و سردرگم و اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و شامل ۴۰ سؤال است. پاسخ هر سؤال روی یک طیف ۵ درجه ای مشخص می‌شود.

مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی (IARS)

این پرسشنامه توسط زاده محمدی و همکاران (۱۳۹۰) تدوین شده، و دارای ۳۸ سؤال، و هدف آن سنجش میزان خطرپذیری در نوجوانان از ابعاد مختلف (گرایش به موادمخدر، گرایش به الکل، گرایش به سیگار، گرایش به خشونت، گرایش به رابطه و رفتار جنسی، گرایش به رابطه با جنس مخالف، گرایش به رانندگی خطرناک) است. شیوه نمره‌دهی آن براساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای است. تحلیل عاملی اکتشافی با مؤلفه‌های اصلی نشان داده که این پرسشنامه مقیاسی هفت بعدی است که ۶۴/۸۴ درصد واریانس خطرپذیری را تبیین می‌کند. میزان آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۴ و برای خرده مقیاسهای آن در دامنه ۰/۹۳ تا ۰/۷۴ قرار دارد که بیانگر پایایی خوب این مقیاس است. حداقل امتیاز ممکن ۳۸ و حداکثر ۱۹۰ خواهد بود.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با ده نفر نمونه یعنی مادران کارآمد (و هم‌چنین نوجوانانشان) مصاحبه عمیق انجام شد که پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، و تحلیل و شناسه‌بندی آنها به روش اشتراوس و کوربین، سه شناسه انتخابی اصلی مشخص شد. شناسه انتخابی راهبردهای آماده‌ساز والدین، که عامل زمینه‌ساز نیز معرفی شده، دارای سه شناسه محوری و ۱۱ شناسه‌باز است. شناسه انتخابی دوم راهبردهای همگراساز است که عامل علی مشخص شد و دارای چهار شناسه محوری و ۱۳ شناسه‌باز است. شناسه انتخابی سوم نیز راهبردهای ایمن‌ساز است که شامل دو شناسه محوری، شش شناسه آزاد و ۲۱ شناسه‌جنینی (یا شناسه اولیه) است.

شناسه‌های انتخابی	شناسه‌های محوری	شناسه‌های باز	گویه‌ها
راهبردهای آماده‌ساز والدینی	همخوانی	همخوانی پدر و مادر	من و پدرش اغلب باهم سر بچه‌ها توافق داریم و رابطه‌شون با پدرشونم خیلی خوبه.
		همخوانی گفتار و رفتار	من همیشه سعی می‌کنم اگه انتظاری ازشون دارم، خودمم انجامش بدم.
	هوشیاری به زمانه	توجه به تغییرات نسلی	ببینید الان دیگه زمونه خیلی فرق کرده با دوره ما روشهای اون موقع اصلا الان جواب نمیده.
		هوشیاری به مسائل شایع روز	من خودم اینستاگرام که اومده بود اول رفتم خودم نصب کردم که ببینم اصلا چیه بعد دیدم واقعا خب به درد بچها تو این سن نمی‌خوره.
	نظارت هوشیارانه	شناخت ویژگیهای شخصیتی	دختر من یکم درونگراست خیلی اهل اینکه راحت خودش بیاد راجع به همه چیز صحبت کنه نیست.
		آگاهی از بلوغ	بچم خب یکم پرخاشنگتر شده ولی می‌دونم به خاطر دوران بلوغشه واسه همین خیلی باهاش کل کل نمی‌کنم.
		هوشیاری به نگرشها (شناختی / عاطفی / رفتاری)	خیلی اوقات سعی می‌کنم به جوری غیرمستقیم بفهمم اصلا فکرش تو این زمینه‌ها چیه.
		هوشیاری به تغییرات	هر کاری بکنن یا تغییری کنن من زود متوجه میشم؛ خودشون میگن ماما چرا ما هر کاری می‌کنیم تو زود متوجه میشی؟
		آگاهی از فعالیتهای خانه	می‌دونم چه کار می‌کنن دیگه اغلب تو خونه جلوی چشمم هستن یا دارن درس می‌خونن یا بازی می‌کنن.
		آگاهی از فعالیتهای خارج خانه	وقتی بچه‌هام بیرونند یا مدرسه هستن یا کلاس. اگه با دوستاشون هم بیرون باشن دوستاشونو می‌شناسم و می‌دونم کجا میرن.
ارزشمندسازی		بسترسازی بروز علائق	خیلی دوست داره رانندگی کنه ولی من مخالفم فقط بعضی وقتها توی پارکینگ ماشین و میدم اون جابه‌جا کنه که یکم اون حسش خالی شه.
		اهمیت به استعدادها	باباش دوست داشت این بره پزشکی ولی خودش خوشش نمیومد و ریاضی‌رو دوست داشت و من تلاش کردم که همون رشته‌ای رو بخونه که خودش می‌خواد و واقعا توش استعداد داره.
	اهمیت به احساسات	همش می‌گفت می‌خوام همون باشگاهی اسم بنویسم که دوستانم هستن با اینکه به ما خیلی دور بود ولی دیدم واقعا غصه می‌خوره واسه همین با شرط و شروط قبول کردم و خیلی خوشحال شد.	
همگراساز	صمیمیت‌سازی	ایفای نقش دوستی	من سعی می‌کنم واقعا دوستشون باشم چون اینجوری راحت‌تر با هم کنار می‌آیم.
		ابراز محبت و علاقه	مثلا باباشون هی میره در اتاقشون بهشون میگه من حقوقم رو بگیرم این کار و براتون می‌کنم اونکارو می‌کنم و سعی می‌کنم محبتشو نشونشون بدم.
		ایجاد فضای امن گفتگو	سعی کردم به‌جوری باهشون دوست باشم که باهام راحت باشن و همه چیز و به‌هم بگن.
		توجه به تفاوت‌های فردی	پسر بزرگم خیلی مطیع بود ولی این پسرم نه یکم غده، باید بیشتر باهاش مدارا کنم و محتاط باشم.

شناسه‌های انتخابی	شناسه‌های محوری	شناسه‌های باز	گویه‌ها
راهنماهای همگراساز	صمیمیت‌سازی	حفظ حریم احترام	من اعتقاد دارم نباید خیلی باهشون کل کل کرد که دیگه حریم‌ها شکسته بشه و هیچ وقت این کار و نمی‌کنم.
		مشارکت و همراهی	بعضی وقتا منم دسته بازی رو می‌گیرم باهاشون بازی می‌کنم کلی کیف می‌کنن.
	نشاط‌آفرینی	تفریحات خانوادگی پر نشاط	بچه‌ها سینما رفتن رو خیلی دوست دارن واسه همین یکی از تفریحات اصلی ما سینماست خیلی بهشون خوش می‌گذره.
		فضای شاد خانوادگی	خیلی اوقات توخونه باهم گپ می‌زنیم و می‌گیم و می‌خندیم.
	توازن‌بخشی	توجه به قواعد معطوف به خود (والدین)	نمیشه که به بچه‌ها به چیزی رو بگیرم ولی خودمون عمل نکنیم و من همیشه اینو در نظر می‌گیرم.
		توجه به قواعد معطوف به نوجوان	من خیلی اوقات بهشون می‌گم اگه من چند قدم به خاطر شما اومدم شما هم باید چند قدم بیاید نمیشه که به طرفه باشه.

شناسه‌های انتخابی	شناسه‌های محوری	شناسه‌های باز	شناسه‌های جنینی (اولیه)	گویه‌ها
راهنماهای ایمن‌ساز	راهنماهای ایمن‌ساز فردی	نگرش‌بخشی	آگاهی بخشی درباره بلوغ/ اعتباریابی اطلاعات/ روشن‌سازی پیامدها/ استفاده از اسطرها/ معرفی الگوهای عینی/ آموزش به تعویق انداختن	پدرش باهاش خیلی راحت و خیلی از مسائل بلوغ رو اون براش توضیح داده و راهنماییش کرده. به موقع هایی که می‌بینم تو تلویزیون داره به برنامه خوبی درباره اعتیاد و مواد و این چیزا نشون میده صدانش می‌کنم که بیاد ببینه.
		چهارچوب‌دهی	روشن‌سازی قواعد/ توجیه‌سازی قواعد/ چهارچوب‌دهی سنی/ چهارچوب‌دهی زمانی/ چهارچوب‌دهی مالی/ چهارچوب‌دهی محتوایی	از وقتی اومده دبیرستان براش گوشی گرفتیم. شبها نباید از گوشیش استفاده کنه.
	راهنماهای ایمن‌ساز اجتماعی	بازگردانی به چهارچوب	آموزش غیرمستقیم/ کمک از اسطرها/ ارائه تنبیه متناسب/ توجیه‌سازی دوباره	بهش گفته بودم که موقع امتحان نباید گوشی داشته باشی. بعد دیدم گوشی دوستشو گرفته گوشیشو گرفتم و گفتم خود دوست باید بیاد ازم بگیره.
		ایمن‌سازی فضای خانه	هنجارگزینی ارتباطات خویشاوندی/ نظارت بر رسانه‌های خانگی	من خیلی نمی‌زارم شب جایی بمونن حتی خونه قوم و خویشامون. ما اصلا ماهواره نگرفتیم و تو خونه اغلب همگی فیلم می‌گیریم، می‌بینیم اونم فیلمای ایرانی.
		ایمن‌سازی فضای آموزشی	تعامل با مدرسه/ انتخاب مدرسه مناسب	من خیلی به مدرسه‌اش میام و سر می‌زنم و با معلمش حرف می‌زنم که ببینم چه جورین و بچه من تو مدرسه چه جوریه.
		ایمن‌سازی فضای همسالان	ارتباط با دوستان/ چهارچوب‌دهی روابط دوستانه	اکثر دوستانشو می‌شناسم؛ مثلا بهش میگم دوستاتو بیار خونه یا با مادراشون به‌جور ارتباط می‌گیرم ببینم چه جور هستن.

سؤال پژوهش: راهبردهای انطباقی مادران در رویارویی با مسائل نوپدید نوجوانان چیست؟
این راهبردها در سه شناسه انتخابی اصلی مشخص شده است:

راهبردهای آماده‌ساز والدین: این مقوله به‌عنوان یکی از شناسه‌های انتخابی و از عوامل زمینه‌ساز انتخاب شده که شامل زیر مقوله‌های همخوانی، هشیاری به‌زمانه و نظارت هشیارانه است. راهبردهای آماده‌ساز در واقع برای زمینه‌سازی و ایجاد آمادگی در والدین است که بتوانند راهبردهای اصلی را برای رویارویی با مسائل نوپدید نوجوانان به کار گیرند.

همخوانی: همخوانی به‌معنی هماهنگی و تطابق است. همخوانی والدینی راهبردهایی است که خرده نظام والدینی را خرده نظامی هماهنگ و همگون می‌سازد. این مقوله دارای دو خرده مقوله همخوانی پدر و مادر، و همخوانی گفتار و عمل است.

هشیاری به زمانه: این مقوله شامل دانش و آگاهیهای اجتماعی به‌روزی است که لازم و ضروری است و مادران موفق از آنها برخوردار بوده، و آن را عنوان کرده‌اند. این مقوله دارای دو خرده مقوله توجه به تغییرات نسلی و هشیاری نسبت به مسائل شایع روز است.

نظارت هشیارانه: این مقوله به‌معنی آگاهی، شناخت و هشیاری کافی نسبت به افکار و رفتار نوجوان و تغییرات آنهاست. مادران موفق بیان کردند که از فرزندان خود شناخت نسبتاً قوی‌ای دارند و این شناخت فرایندی مستمر، پویا، و متوجه تغییر و تحولات نوجوان است. این مقوله دارای زیر مقوله‌های شناخت ویژگیهای شخصیتی، آگاهی از ویژگیهای رشدی دوران بلوغ، هشیاری نسبت به نگرشها، هشیاری نسبت به تغییرات نوجوان، آگاهی از فعالیتهای خانه و آگاهی از فعالیتهای خارج از خانه می‌شود.

راهبردهای همگراساز: این راهبردها روشها و شیوه‌هایی را شامل می‌شود که مادران برای ایجاد، استحکام بخشی و نگهداری رابطه‌ای نزدیک، گیرا و صمیمی با نوجوانانشان استفاده می‌کنند. این راهبردها از عوامل علی راهبردهای انطباقی محسوب به‌شمار می‌روند به‌این معنی که بدون راهبردهای همگراساز، راهبردهای ایمن‌ساز نیز اثربخش نخواهد بود و کارایی نخواهد داشت. این مقوله، زیر مقوله‌های ارزشمندسازی، صمیمت‌سازی، نشاط‌آفرینی، حفظ حریم احترام، و توازن‌بخشی دارد.

ارزشمندسازی: ارزشمندسازی به‌معنی توجه، اهمیت‌بخشی و بها دادن به نوجوان است به‌طوری که نوجوان برای خود و خانواده خود احساس ارزشمندی کنند. این مقوله، زیر مقوله‌های

بسترسازی بروز علائق، اهمیت دادن به استعدادها و اهمیت دادن به احساسات دارد. صمیمیت‌سازی: در راهبردهای انطباقی، ایجاد صمیمیت و نزدیکی با نوجوان از مهمترین مواردی است که مادران بسیار بر آن تأکید کردند و آن را هسته موفقیت در والدگری خود می‌دانستند. این مقوله دارای زیر مقوله‌های ایفای نقش دوستی، ابراز محبت و علاقه، توجه به تفاوت‌های فردی در رابطه، ایجاد فضای امن و راحت برای گفتگو و مشارکت و همراهی در فعالیتهای نوجوان است.

نشاط‌آفرینی: ایجاد نشاط، شادی، لذت، تفریح و هیجان‌ات مثبت، عامل مهمی در پیوندسازی و استحکام بخشی به رابطه والد فرزندی به‌شمار می‌رود. نوجوانانی که ساعات شادی را در کنار خانواده خود می‌گذرانند از بودن در محیط‌های دیگر با دوستان و افراد دیگر، راحت‌تر چشم‌پوشی می‌کردند. این مقوله دارای زیر مقوله‌های ایجاد فضای خانوادگی شاد، و تفریحات خانوادگی پر نشاط (از دید نوجوان) است.

توازن‌بخشی: عدالت و توازن در رابطه به معنی وجود قواعد، انتظارات و وظایفی هماهنگ، متناسب و منطقی برای همه اعضای خانواده، چه فرزندان و چه والدین است؛ بدین معنی که در فرزندان خانواده این احساس ایجاد نشود که چون من فرزندم و در موضع قدرت پایینتری قرار دارم، توقعات و انتظارات از من سختگیرانه‌تر است در حالی که این فشار روی والدینم وجود ندارد (قواعد معطوف به والدین) و همین‌طور بالعکس فرزندان احساس نکنند که همه وظایف و مسئولیتها بر دوش والدین است و همیشه خواسته‌ها و نیازهای آنان باید در اولویت باشد (قواعد معطوف به فرزندان).

راهبردهای ایمن‌ساز: این راهبردها شامل روشها و شیوه‌هایی است که والدین برای حفظ نوجوانشان از انواع مخاطرات و مشکلات و مسائل نوپدید به‌کار می‌گیرند. در واقع این راهبردها فضایی محافظتی و ایمن (فضای روانی و فیزیکی) برای نوجوان ایجاد می‌کند که او بتواند بهتر با این چالشها روبه‌رو شود و این دوره را با سلامت و کم‌خطرتر سپری کند. این راهبردها شامل راهبردهای ایمن‌ساز فردی و اجتماعی است.

راهبردهای ایمن‌ساز فردی: این راهبردها روشهایی است که به‌وسیله آن والدین سعی در تنظیم و جهت‌دهی افکار و رفتارهای نوجوان به‌سمتی دارند که او را از چالشها و مخاطرات نوپدید ایمن و مصون بدارد. این مقوله دارای زیر مقوله‌های نگرش‌بخشی، چهارچوب‌دهی و بازگردانی است. نگرش‌بخشی: از آنجا که نگرش، مقدمه‌ساز رفتار است، نگرش‌بخشی، شیوه‌ای است که به

وسیله آن والدین سعی می‌کنند اطلاعات، افکار، عقاید و دید نوجوان را درباره مسائل مختلف از جمله مسائل نوپدید، طبق واقعیات موجود، شکل دهند تا در نوجوان نگرشی واقع‌بینانه، مناسب و پیشگیرانه نسبت به این مسائل ایجاد شود. این مقوله نیز خود دارای زیر مقوله‌های آگاهی‌بخشی درباره ویژگی‌های دوران بلوغ، اعتباریابی اطلاعاتی، روشن‌سازی پیامدها، استفاده از واسطه‌ها، معرفی الگوهای عینی و آموزش به تعویق انداختن است.

چهارچوب‌دهی: چهارچوب‌دهی به معنی قواعد‌گذاری و مرزبندی به منظور تنظیم و جهت‌دهی رفتارهای اعضای خانواده است. والدین برای مدیریت رفتارهای نوجوان و حفظ او از آسیب‌های احتمالی چهارچوبها و قواعد توجیه‌پذیری منطبق بر شرایط واقعی، مشخص می‌کنند که باید اجرا شود. این مقوله شامل زیر مقوله‌های توجیه‌سازی قواعد، چهارچوب‌های سنی، چهارچوب‌های زمانی، چهارچوب‌های مالی و چهارچوب‌های محتوایی است.

بازگردانی: این مقوله روشهایی است که والدین در رویارویی با رفتارهای خارج از چهارچوب نوجوان به کار می‌گیرند تا بتوانند دوباره او را به چهارچوب موردنظر بازگردانند. این مقوله دارای زیرمقوله‌های تعافل و آموزش غیرمستقیم، تنبیه متناسب، توجیه‌سازی دوباره و استفاده از واسط معتمد است.

راهبردهای ایمن‌ساز اجتماعی: محیطی که نوجوان با آن در تعامل است و در بستر آن در حال رشد و تغییر است، بر عملکرد او تأثیر زیادی دارد. راهبردهای ایمن‌ساز اجتماعی، شیوه‌هایی است که والدین برای مصون ماندن محیط زندگی و محیط اجتماعی نوجوان از انواع مسائلی به کار می‌گیرند که ممکن است او را در معرض رفتارهای پرخطر و مسائل نوپدید قرار دهد. این مقوله شامل زیر مقوله‌های ایمن‌سازی محیط خانواده، ایمن‌سازی محیط آموزشی، و ایمن‌سازی محیط همسالان است.

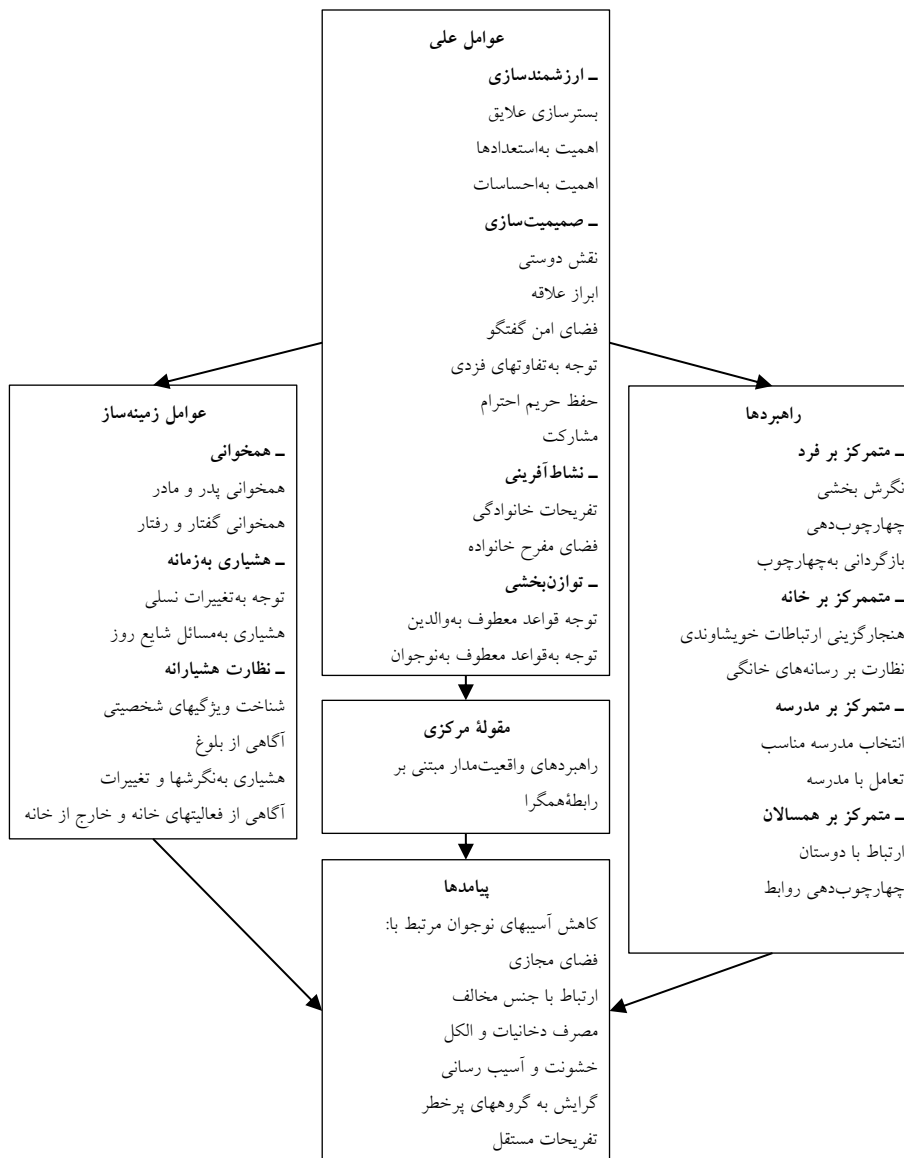
ایمن‌سازی محیط خانواده: مادران کارآمد بیان کردند که دقت ویژه‌ای بر ارتباطات، تعاملات و اطلاعات جاری در محیط خانه دارند تا زمینه ورود نوجوان را به حیطه‌های پرخطر و آسیبزا فراهم نکنند. تلویزیون. این مقوله دارای زیر مقوله‌های هنجارگزینی ارتباطات خویشاوندی، و نظارت بر رسانه‌های خانگی است.

۱. ایمن‌سازی محیط آموزشی: از دیگر محیط‌هایی که نوجوان بخش زیادی از زندگی خود را در آنجا می‌گذراند و می‌تواند در عملکرد او بسیار تأثیرگذار باشد، مدرسه و محیط‌های آموزشی است که نوجوان با آنها در ارتباط است. جو مدرسه از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و کادر آموزشی

می‌تواند مستعد درگیر شدن نوجوان در بسیاری از رفتارهای پرخطر و آسیب‌رسان باشد و به همین دلیل ایمن‌سازی محیط آموزشی نوجوان از روشهای مهم پیشگیری از آسیب است که مادران به آن اشاره کردند. این مقوله دارای زیر مقوله‌های انتخاب مدرسه مناسب، و تعامل با مدرسه است.

۲. ایمن‌سازی محیط همسالان: محیط همسالان از دیگر محیط‌های بسیار تأثیرگذار بر رفتارها و عملکرد نوجوان است. والدین عنوان کردند نظارت بر روابط نوجوان با دوستانش از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است و این روابط بر رفتارهای نوجوانشان تأثیر مستقیم دارد. این مقوله دارای زیر مقوله‌های ارتباط با دوستان و چهارچوب‌دهی روابط دوستانه است.

پس از شناسه‌گذاری محوری ارتباط این مقولات با یکدیگر در قالب الگوی پارادایمی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای شناسایی شد. در ادامه فرایند شناسه‌گذاری طبقه مرکزی یا مقوله هسته‌ای این الگو با عنوان راهبردهای واقعیت‌مدار مبتنی بر رابطه همگرا انتخاب، و در شکل زیر تحت عنوان "الگوی راهبردهای واقعیت‌مدار مبتنی بر رابطه همگرا" نشان داده شده است. این طبقه مرکزی به برقراری نوعی یکپارچگی در شناسه‌ها و مقوله‌ها کمک کرده و به ایجاد یکپارچگی در الگوی نهایی منجر شده است.



بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش راهبردهای انطباقی مادران در رویارویی با مسائل نوپدید نوجوانان با استفاده از روش کیفی و نظریه زمینه‌ای، مقوله‌بندی، و به‌صورت الگو ارائه شد. هسته اصلی و مقوله مرکزی

این الگو راهبردهای واقعیت مدار مبتنی بر رابطه همگرا است؛ بدین معنی که طبق تجربیات زیسته خانواده‌ها، آن دسته از روشها و راهبردهایی که اساس آن را پذیرش واقعیات عینی فردی و اجتماعی تشکیل می‌دهد و مادران با شیوه‌های مختلف برآند تا تماس خود و فرزندانشان را با این واقعیات برقرار سازند به شرطی که در رابطه‌ای همگرا و فضای مشترک و صمیمانه ارائه شود، راهبردهای انطباقی و کارآمد در رویارویی با مسائل نوپدید نوجوانان به‌شمار می‌روند. این راهبردها در سه دسته کلی راهبردهای آماده‌ساز والدین، راهبردهای همگراساز و راهبردهای ایمن‌ساز طبقه‌بندی می‌شود. راهبردهای آماده‌ساز والدین در واقع از عوامل زمینه‌ای و زمینه‌ساز راهبردهای دیگر به‌شمار می‌آید و مقدم بر آنهاست. پس از آن راهبردهای همگراساز هست که پیش شرط راهبردهای ایمن‌ساز است؛ به این معنی که اثربخشی و کارآمدی راهبردهای ایمن‌ساز به کارآمدی راهبردهای همگراساز وابسته است و به همین دلیل از آن به‌عنوان عامل علی یاد می‌شود. راهبردهای ایمن‌ساز نیز راهبردهای اصلی پژوهش است که نهایتاً موجب کاهش آسیبهای نوپدید نوجوانان می‌شود.

در عصر حاضر، که دنیای فراوانی اطلاعات و ارتباطات از انواع و اقسام منابع است، بسیاری از افکار، عقاید، ارزشها و باورها به‌چالش کشیده، و دچار تغییر و تحول می‌شود. این تغییر و تحولات، همه افراد جامعه و همه اعضای خانواده اعم از پدر و مادر و فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اینکه از بین این افکار و اطلاعات در حال در تغییر و تحول، کدام یک باید مبنا و معیار قواعد رفتاری شود، چالشی بزرگ است. غربال کردن، سنجش، ارزیابی و تجربه آزمایی این اطلاعات وسیع و رسیدن به اطلاعاتی دقیق، موثق و قابل اعتماد، که بتواند مبنا و معیار ارزشها، باورها، قواعد، و رفتار و عملکرد باشد، مهارتهای خاصی را می‌طلبد. از آنجا که این فرایند در واقع تلاش برای تماس برقرار کردن با اطلاعات و دیدگاه‌های مختلف و نهایتاً رسیدن به واقعیات موجود، قابل سنجش و موثق است از آن به‌عنوان فرایندی واقعیت مدار یاد می‌شود. در این پژوهش والدینی که خود فعالانه سعی در کسب اطلاعات مختلف فردی و اجتماعی دارند و می‌توانند مبنا و معیارهای ارزشی و رفتاری روشن، مشخص، مستدل و منطبق با واقعیات اجتماعی را به‌عنوان قواعد و ساختارهای خانوادگی تنظیم کنند و تلاش می‌کنند تا با روشهای مختلف، فرزندانشان را نیز در این فرایند واقعیت‌محور جهت‌دهی کنند، والدینی هستند که خود و فرزندانشان توانسته‌اند به‌صورت کارآمدتری با مسائل نوپدید نوجوانان روبه‌رو شوند و از آسیبهای مختلف آن به‌میزان بیشتری مصون بمانند. البته طبق نتایج این پژوهش این فرایند واقعیت‌محور در

صورتی سودمند خواهد بود که بر رابطه همگرایی والد فرزندی مبتنی باشد. اهمیت این رابطه به دلیل این است که از دیگر ویژگیهای عصر اطلاعات و ارتباطات، افزایش قدرت و خودمختاری و استقلال فرزندان و کاهش نفوذ و قدرت والدین است. همانطور که بردلی (۲۰۰۵) و اریکسون و همکاران (۲۰۱۴) بیان کردند در عصر کنونی با ظهور انواع و اقسام وسایل ارتباطی و گسترده شدن فضای مجازی و اینترنت و آسانی دسترسی به آن برای تمام رده‌های سنی، کودکان و نوجوانان به منابع اطلاعاتی‌ای دسترسی پیدا کرده‌اند که اغلب اوقات هنوز برای والدین ناشناخته است. فرزندان در کار با دنیای مجازی و فناوریهای مرتبط با آن از دانش و مهارت بیشتری برخوردارند و همین امر بتدریج و به‌طور تجمیع یافته به کاهش کنترل و قدرت والدینی و افزایش قدرت، استقلال و خودمختاری فرزندان می‌انجامد. طبق یافته‌های پژوهش، والدین کارآمد با درک این تحولات اجتماعی، و با علم به این واقعیت اجتماعی که امروزه والدین صرفاً به دلیل داشتن جایگاه والدینی، نفوذ و قدرت کافی در برابر فرزندانشان ندارند، تلاش می‌کنند این نفوذ و قدرت را در برقراری رابطه‌ای نزدیک، گیرا، صمیمانه و به عبارتی همگرا به دست آورند. همگرایی به معنی تقارب و نزدیک شدن اجزای یک کل به همدیگر است و رابطه همگرا در رابطه والد فرزندی به معنی رابطه‌ای است که در آن به جای تأکید و تمرکز بر سلسله مراتب قدرت و جدال بر سر آن، سعی بر ایجاد تقارب، تفاهم، نزدیکی، پیوند، رفاقت و صمیمیت است به گونه‌ای که در دنیای پر از جاذبه‌ها و کشش‌های محیط بیرونی، گرایش و پیوند نوجوان با والدین و خانواده همچنان حفظ شده و مستحکم بماند. به این ترتیب الگوی راهبردهای انطباقی مادران در رویارویی با مسائل نوپدید نوجوانان، الگویی است که محوریت آن را فرایندها و راهبردهای واقعیت‌مدار تشکیل می‌دهد که در بستر رابطه‌ای همگرا و متقارب، می‌تواند کارآمد و ثمربخش باشد.

در مقایسه با الگوی سبکهای والدگری، که بامریند (۱۹۶۶) ارائه کرده و کارکردهای اصلی والدین در دو بعد کنترل و حمایت (پاسخدهی) خلاصه می‌شود و الگوی مقتدرانه و مؤثر، الگویی است که هم به میزان مناسبی کنترل، نظارت، چهارچوب‌دهی و قاعده‌مندی در آن وجود دارد و هم والدین به قدر کافی حمایتگر، گرم، عاطفی و پذیرنده‌اند، الگوی انطباقی مادران نیز در دو بعد اصلی راهبردهای واقعیت‌مدار و راهبردهای همگراساز قابل ارائه است. به‌طور مشابه با سبکهای والدگری، یکی از ابعاد الگوی انطباقی معطوف به ساختارها و قواعد خانواده و فرزندان است و بعد دوم به کیفیت روابط والد فرزندی معطوف است با این تفاوت که در بعد اول الگوی انطباقی، تأکید بر محتوا و چگونگی قواعد‌گذاری و چهارچوب‌دهی است؛ بدین معنی که صرفاً قاعده‌مندی

نمی‌تواند در کاهش رفتارهای مسئله‌انگیز نوجوانان مؤثر باشد بلکه اینکه این قواعد چقدر منطقی، مستدل، عینی، براساس اطلاعات و سازگار با واقعیات و شرایط اجتماعی روز، و قابل درک و پذیرش از طرف نوجوان است، حائز اهمیت است. پژوهش‌های زیادی همسو با یافته‌های این پژوهش به اهمیت رفتارهای کنترلی و چهارچوب‌دهی والدین اشاره، و بیان کرده‌اند با اینکه در نوجوان تمایل و گرایش زیادی به خودمختاری و استقلال وجود دارد به دلیل عدم پختگی کافی و گرایش به رفتارهای مخاطره‌آمیز، نیاز به قاعده‌مندی و محدودیت‌های رفتاری از والدین ضرورت دارد (استینبرگ و سیلک، ۲۰۰۲؛ بارنز و همکاران، ۲۰۰۶؛ چن، ۲۰۱۰؛ هریس - مک کوی و کویی، ۲۰۱۳؛ استاردا و همکاران، ۲۰۱۷)؛ با این حال باید توجه کرد که در دنیای حاضر و عصر فناوری، چهارچوب‌بندی رفتارهای فرزندان و ایجاد قواعدی که مورد قبول همه اعضای خانواده باشد، چالش برانگیز است؛ برای مثال کرانور و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی کیفی نشان دادند که درباره قواعد و رمزگذاری در حوزه فعالیت‌های اینترنتی و استفاده از موبایل و شبکه‌های اجتماعی، اغلب والدین و نوجوانان با یکدیگر اختلاف نظر دارند؛ برای مثال والدین می‌خواهند که بر دوستان مجازی و پیام‌های تبادلی فرزندان‌شان که از طریق موبایل و شبکه‌های اجتماعی (مثل فیسبوک و اینستاگرام) و شبکه‌های پیام‌رسان (مثل تلگرام) انجام می‌شود، نظارت کنند و قواعدی را مثل قاعده قابل دسترس بودن محتوای فعالیت‌های مجازی فرزندان برای والدین و عدم رمزگذاری فرزندان، اعمال کنند؛ با این حال بسیاری از نوجوانان این قواعد را ورود به حریم شخصی خود تلقی می‌کنند و ممکن است در برابر آن مقاومت کنند. با توجه به یافته‌های این پژوهش، والدینی که ارتباط نزدیکتر و صمیمانه‌تری با نوجوان خود دارند و تلاش می‌کنند لزوم قواعد را برای فرزند خود به صورتی ملموس، واقعی، مستدل و منطبق با مسائل و شرایط جامعه، بیان کنند به میزان بیشتری بر این چالش‌ها فائق می‌آیند و فرزندان به میزان بیشتری آن را می‌پذیرند و کمتر دچار تمرد و سرکشی از قواعد می‌شوند.

هم‌چنین در بعد دوم یعنی همگراسازی، هدف، جهت و سمت و سوی رابطه والد نوجوان مورد تأکید است؛ یعنی حمایت، پذیرش و تعاملاتی که با توجه به شکاف نسلی ایجاد شده امروزی به ایجاد گرایش و کشش، تقارب، نزدیکی و احساس صمیمیت و دوستی نوجوان با والدین منجر می‌شود و از ایجاد جو قدرت مدارانه و واگرا و یا پرفاصله و موازی، پیشگیری کند. هیگینز، جنینگز و ماهونی (۲۰۱۰) نیز نشان دادند که با کاهش دل‌بستگی و پیوند نوجوانان با والدین، احتمال رفتارهای آسیب‌زا و مسئله‌دار در نوجوانان افزایش پیدا می‌کند. راهبردهای همگراساز و

ویژگیهای آن با مؤلفه پاسخدهی (حمایت) در سبکهای والدگری که ویژگی آن پذیرش، دسترس پذیری عاطفی، حمایت و گرمی در رابطه والد و فرزند است (کامینگز و همکاران، ۲۰۰۰) به طور کلی قرابت مفهومی دارد. پژوهشهای زیادی نیز حاکی است که نوجوانانی که از والدین خود حمایت، و تشویق دریافت می کنند، تمایل کمتری به رفتارهای مخالفت آمیز و سرکشانه با والدین خود دارند و میزان زیاد پاسخدهی با تأثیرات مثبتی در فرزندان همراه است؛ از جمله کاهش مصرف الکل (بارنز و فارل، ۱۹۹۲) و کاهش افسردگی (بین و همکاران، ۲۰۰۶).

هم چنین با توجه به نتایج این پژوهش مشخص است که مسائل فرهنگی، ارزشی و تربیتی هر جامعه ای متفاوت از جامعه دیگر است و والدین به جای الگوبرداری از جوامع دیگر، باید با توجه به ویژگی و مختصات ارزشی و فرهنگی جامعه خود با دیدی واقع نگرا، نوجوانانشان را با چالشهای روبهرو آشنا و آگاه سازند.

از آنجا که این پژوهش، کیفی، و تعداد نمونه های آن محدود است از محدودیتهای آن تعمیم دهی نتایج است. هم چنین این پژوهش فقط روی خانواده های ساکن تهران انجام شده و ممکن است مسائل و راهبردهای انطباقی مادران در شهرها و فرهنگهای دیگر متفاوت باشد.

با توجه به اهمیت راهبردهای انطباقی در رویارویی با مسائل نوپدید نوجوانان، پیشنهاد می شود با توجه به یافته های پژوهش و الگوی راهبردهای واقعیت مدار مبتنی بر رابطه همگرا، برنامه ای آموزشی برای والدین تدوین و اجرا، و اثربخشی آن در کاهش مسائل نوپدید نوجوانان بررسی شود.

منابع

- آهون، روح الله (۱۳۹۱)، طراحی برنامه پیشنهادی پیشگیری از اعتیاد مبتنی بر تأثیرات ادراک شده بر گرایش به اعتیاد در نوجوانان معتاد پسر کانون اصلاح و تربیت تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- اعظمی، کیوان؛ قادری ثانوی، رمضانعلی؛ فتحی، منصور؛ رفیعی، حسن (۱۳۹۳)، بررسی نقش سبکهای فرزندپروری والدین و همنشینی با همسالان در بزهکاری نوجوانان شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، گروه آموزشی مددکاری اجتماعی.
- بشیریان، سعید (۱۳۹۱)، طراحی و ارزشیابی برنامه آموزشی نظری محور جهت پیشگیری از سوء مصرف مواد در نوجوانان، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی.

تیمورپور، ژیلا؛ فزون مهر، نادر (۱۳۹۲)، نگرش به جهانی شدن فرهنگ و نقش آن در پنداره‌های دینی دانش آموزان، مقاله‌های همایش های ایران، همایش ملی آموزش و پرورش چند فرهنگی، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران واحد استان آذربایجان غربی.

تقوی، سیدمهدی؛ اصلانی، شهناز (۱۳۹۶)، بررسی رابطه مصرف رسانه، دینداری و ارزشهای خانواده: مطالعه موردی شهر سمنان، *دوفصلنامه پژوهشهای انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده*، ش ۵(۲): ۱۸۱ - ۲۰۵.

جلالی، مطهره (۱۳۹۰)، نقش تلویزیون در کاهش آسیبهای فضای سایبر بر نوجوانان (بررسی آرای متخصصان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده علوم اجتماعی. دهقانی فیروزآبادی، اکرم (۱۳۹۴)، *بررسی عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به رفتارهای نو*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی.

رجبی، حکیمه (۱۳۹۱)، *رابطه سبکهای والدگری با بهزیستی ذهنی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

رشید، خسرو (۱۳۹۱)، *رفتارهای پرخطر در بین دانش‌آموزان نوجوان دختر و پسر شهر تهران*، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ش ۱۵(۵۷): ۳۱ - ۵۶.

زاده‌محمدی، علی؛ احمدآبادی، زهره؛ حیدری، محمود، (۱۳۹۰)، *تدوین و بررسی ویژگیهای روانسنجی مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی*، *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، س هفدهم، پاییز ۹۰، ش ۳: ۲۲۵ - ۲۱۸.

رضوانی‌مهلبانی، مریم (۱۳۹۳)، *رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با تربیت جنسی و مهارت اجتماعی نوجوانان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

صفایی‌حائری، علی (۱۳۹۰)، *انسان در دو فصل*، قم: لیل‌القدر، (کتاب اصلی در سال ۱۳۸۵ چاپ شده است). عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۲)، *دو جهانی شدن‌ها و جامعه جهانی اضطراب*، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۱: ۱۴۳ - ۱۷۴. کریمی، محمود (۱۳۹۲)، *طراحی، اجرا و ارزشیابی بسته آموزشی نظری‌محور جهت پیشگیری از مصرف دخانیات در نوجوانان*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی.

مصطفوی‌طالعی، معصومه (۱۳۹۵)، *مطالعه تطبیقی تأثیر تکنولوژیهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی بر هویت اجتماعی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر رشت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام‌نور مرکز رباط کریم پرند، گروه جامعه‌شناسی.

Alekhin, A. N. Koroleva, N. N. Ostashova, E. I. (2015). Semantic structures of world image as internal factors in the self-destructive behavior of today's teenagers. *Psychology in Russia: State of the Art*. 8(1). 125-138.

Ahn, J. (2011). The effect of social network sites on adolescents' social and academic development: Current theories and controversies. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 62(8), 1435-1445.

Bauman, Z. (2002). *Society under siege*. Cambridge: Polity Press.

- Baumrind, D. (1966). Effects of authoritative parental control on child behavior. *Child development*, 37, 887-907.
- Barnes, G. M., & Farrell, M. P. (1992). Parental support and control as predictors of adolescent drinking, delinquency, and related problem behaviors. *Journal of Marriage and the Family*, 54, 763-776.
- Barnes, G. M., Hoffman, J. H., Welte, J. W., Farrell, M. P., & Dintcheff, B. A. (2006). Effects of parental monitoring and peer deviance on substance use and delinquency. *Journal of Marriage and Family*, 68, 1084-1104.
- Bean, R. A., Barber, B. K., & Crane, D. R. (2006). Parental support, behavioral control, and psychological control among African American youth: The relationships to academic grades, delinquency, and depression. *Journal of Family Issues*, 27, 1335-1355.
- Berzonsky, M.D., (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4, 267-281.
- Bi X, Yang Y, Li H, Wang M, Zhang W and Deater-Deckard K (2018) Parenting Styles and Parent-Adolescent Relationships: The Mediating Roles of Behavioral Autonomy and Parental Authority. *Frontiers in psychology*. 2187 (9).
- Biglan, A. Brennan, P. A. Foster, S.L. & Holder, H. D. (2004). *Helping adolescents at risk: Prevention of multiple problem behaviors*. New York: The Guilford Press.
- Brady, P. (2006). Inclusionary and exclusionary secondary schools: The effect of school culture on student outcomes. *Interchange*, 36, 295-311.
- Chen, X. (2010). Desire for autonomy and adolescent delinquency: a latent growth curve analysis. *Criminal Justice and Behavior*. 37, 989-1004.
- Cranor, L. F. Durity, A.L. Marsh, A. Ur, B. (2014). Parents' and Teens' Perspectives on Privacy In a Technology-Filled World. *Tenth Symposium on Usable Privacy and Security (SOUPS)*. 19-35.
- Cummings, E. M., Davies, P. T., & Campbell, S. B. (2000). *Developmental Psychopathology and Family Process*. New York, NY: The Guilford Press.
- Crockett, Lisa J. & Silbereisen, Rainer K. (2000). *Social Change and Adolescent Development: Issues and Challenges*. Faculty Publications, Department of Psychology. 243.
- Erickson, L. B. Wisniewski, P. Xu, H. Carroll, J. M. Rosson, M. B. Perkins, D. F. (2016). The boundaries between: Parental involvement in a teen's online world. *Journal of association for information science and technology*. 67(6). 1384-1403.
- Estrada, Y. Lee, T.K. Huang, S. Tapia, M.I. Velázquez, M.R. Martinez, M.J. Pantin, H. Ocasio, M.A. Vidot, D.C. Molleda, L. Villamar, J. Stepanenko, B.A. Brown, C.H. and Prado, G. (2017). Parent-Centered Prevention of Risky Behaviors Among Hispanic Youths in Florid. *American Journal of Public Health*. 107(4). 607-613.
- Engels RC, Scholte Hj, Lieshout CF, Kemp RD, Overbeek, G.(2006). Peer group reputation and smoking and alcohol consumption in early adolescence, *Addic Behav*. 31,440-449.
- Fallu JS, Janosz M, Briere FN, Descheneaux A, Vitaro F, Tremblay RE. (2010) Preventing disruptive boys from becoming heavy substance users during adolescence: A longitudinal study of familial and peerrelated protective factors. *Addict Behav*. 35 (12): 1074-82.
- Gewin, A. M. & Hoffman, B. (2016). Introducing the cultural variables in school-based substance abuse prevention. *Drugs Education, Prevention, and policy*. 23(1). 1-14
- Greydanus, D. E. (1997). *Caring for your adolescent: ages 12 to 18*. New York: Oxford University Press.
- Hall, G. S. (1904). *Adolescence: Its psychology and its relations to physiology, anthropology, sociology, sex, crime, religion and education (Vols. 1 and 2)*. New York: Appleton and Co.
- Harris-McKoy, D. A, Cui, M. (2013). Parental Control, Adolescent Delinquency, and Young Adult Criminal Behavior. *Journal of Child Family Study*. 22:836-843.

- Higgins, G. E. Jennings, W. G & Mahoney, M. (2010). Developmental trajectories of maternal and parental attachment and delinquency in adolescence. *Deviant behavior*. 31, 655-677.
- Holm, S. Tolstrup, J. Thylstrup, B. & Hesse, M. (2015). Neutralization and glorification: Cannabis culture-related beliefs predict cannabis use initiation. *Drugs Education, Prevention, and policy*. 23(1). 48-53
- Hoskins, D. H. (2014). Consequences of Parenting on Adolescent Outcomes. *Societies*. 4. 506-531
- Huh, M. Y. (2009). Development and validation of the Parenting Behavior Inventory with adolescents [In Korean]. Unpublished doctoral dissertation, Ewha Womans University, Seoul, Republic of Korea.
- Jensen, A. L. & Chen, X. (2013). Adolescent Development in a Diverse and Changing World: Introduction. *JOURNAL OF RESEARCH ON ADOLESCENCE*, 23(2), 197-200
- Looze, D. M. Eijnden, R. V. D. Verdurmen, J. Vermeulen-Smit, E. Schulten, I. Vollebergh, W. & ter Bogt, T. (2012). Parenting practices and adolescent risk behavior: Rules on smoking and drinking also predict cannabis use and early sexual debut. *Prevention Science*. 13. 594-604.
- Nargiso JE, Becker SJ, Wolff JC, Uhl KM, Simon V, Spirito A, et al. (2012). Psychological, peer, and family influences on smoking among an adolescent psychiatric sample. *J Subst Abuse Treat*. 42 (3): 310-8.
- Onishi A, Kawabata Y, Kurokawa M, Yoshida T. (2012). A mediating model of relational aggression, narcissistic orientations, guilt feelings, and perceived classroom norms. *School Psycho Int*. 33 (4): 367-90.
- Panthi, G.P. (2016). Social Accountability for Adolescent Sexual and Reproductive Health. *Himalayan Journal of Sociology & Anthropology* . Vol. VII 13-39
- Pinquart, M. & Silbereisen, R.K. (2005). Understanding Social Change in Conducting Research on Adolescence. *JOURNAL OF RESEARCH ON ADOLESCENCE*, 15(4), 395-405
- Risi S, Gerhardstein R, Kistner J. (2003). Children's classroom peer relationships and subsequent educational outcomes. *J Clinic Child Adel Psychol*. 32 (3): 351-61.
- Shin, W. & Ismail, N. (2014). Exploring the Role of Parents and Peers in Young Adolescents' Risk Taking on Social Networking Sites .*Cyberpsychology, behavior, and social networking*. 17(9). 578-583.
- Steinberg, L., & Silk, J. S. (2002). Parenting adolescents. In M. H. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting children and parenting* (Vol. 1, pp. 103-133). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Wisniewski, P., Xu, H., Rosson, M.B., & Carroll, J.M. (2014). Adolescent online safety: The "moral" of the story. Paper presented at the CSCW 2014, Baltimore, MD.